



۱۴۲۸.

بجای

این رساله در تاریخ ۱۳۸۹/۴/۲۷  
با شماره ۱۸/۵ هجری و شرح و در ۱۳۸۹  
تاریخ شد.



دانشگاه شهید بهشتی  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه آموزشی تاریخ

دکتر غلامرضا  
۱۳۸۹/۵/۳

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان

عنوان

بررسی عملکرد دولت ساسانی در برخورد با مسیحیان ایران

استاد راهنما

دکتر روزبه زرین کوب

استاد مشاور

دکتر غلامرضا برهمند

دانشجو

وحید زنوریان

نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۹

۱۳۸۹/۷/۲۴  
دفتر خدمات دانشجویی  
تعمیرات

۱۴۲۲۸۰

تقدیم به سالها رنج و مشقت پدرم

تقدیم به دستهای پر مهر مادرم

## تشکر و قدردانی

ستایش اول آموزگار گیتی را که نیروی اندیشه و خرد را به انسان ارزانی داشت و علم را به او شناساند و مرا یاری داد تا در راه مطالعه و بررسی گوشه ای از شگفتی های جهان باستان قدم بردارم. در تهیه و تدوین این رساله ، از زحمات و راهنماییهای بی شائبه ی استاد بسیار عزیز و ارزشمندم جناب آقای دکتر روزبه زرین کوب به عنوان استاد راهنما ، همچنین از استاد بسیار بزرگوار و ارزشمندم جناب آقای دکتر غلامرضا برهمند که مرا در امر مشاوره ی این رساله با دقت و صبر بسیار یاری دادند ، همچنین از رئیس گروه محترم تاریخ جناب آقای دکتر عطاءالله حسنی ، و از دیگر استادان ارزشمندم ، جناب آقای دکتر اردشیر خدادادیان ، جناب آقای دکتر عزیزالله بیات ، جناب آقای دکتر رضا شعبانی ، جناب آقای دکتر اللهیار خلعتبری، آقایان دکتر علی بیگدلی ، دکتر پرویز البرز، دکتر کریم سلیمانی ، دکتر علی اصغر مصدق، دکتر محمد علی اکبری، دکتر قائم مقامی، دکتر حسن باستانی راد، و نیز از اساتید ارزشمندم در دانشگاه خرم آباد، دکتر کرمی پور، جناب آقای دکتر رضوی، جناب آقای دکتر غلامرضایی، جناب آقای دکتر ثواقب، و سایر اساتید ارزشمند دانشگاه خرم آباد کمال تشکر و امتنان را دارم.

به علاوه از تمام برادران (فخرالدین، فردین، امین، پوریا) و خواهرانم که همواره مایه دلگرمی من در زندگی بوده اند به همراه دوستان عزیزم آقایان امیر دهقان نژاد، محمد چینی، امید رحمانی، ثارام بایت گل، علی اکبر رسولی و دیگر عزیزانی که مرا در امر گردآوری این رساله یاری کرده اند کمال تقدیر و قدردانی را دارم.

## چکیده:

از هنگامی که حکومت ساسانیان در ایران تأسیس شد، مسیحیت یکی از عوامل مهم و تعیین کننده در طول فرمانروایی این سلسله بود، که حتی در مواقعی باعث شد تا درگیری های بین ایران و روم تشدید شود. مسیحیان که از زمان اشکانیان به ایران وارد شده بودند، به تدریج در ایران گسترش یافتند، به طوری که هم زمان با روی کار آمدن ساسانیان بیست ناحیه اسقف نشین در ایران وجود داشت. براین اساس، گسترش مسیحیت در روزگار ساسانی و عملکرد ساسانیان نسبت به این مذهب، با توجه به تأثیری که در سیر تاریخی ایران در این دوره داشته است، جای تأمل دارد. از این رو نگارنده بر پایه‌ی روش تحقیق تاریخی و اتکاء به منابع، سعی کرده است علل و عوامل بر خورد ساسانیان با مسیحیان کشور خود را بررسی کند.

بر اساس یافته های این تحقیق، تا زمانی که مسیحیان در روم مورد تعقیب، آزار و شکنجه‌ی امپراتوران روم قرار گرفته بودند، ایران و شاهان ساسانی را ملجأ و پناهگاه خود می دانستند و برای این که از ظلم و ستم رومیان ضد مسیحی در امان بمانند، و بتوانند اعمال مذهبی خود را آزادانه به جا بیاورند، به سوی ایران رهسپار می شدند و شاهان ساسانی نیز آنها را مورد حمایت خود قرار می دادند. با این که دین زرتشت دین رسمی ایران بود، ما شاهد برخوردی شدید با آنان از سوی ساسانیان نیستیم، و شاهان ساسانی نگرانی در باب مسیحیان قلمرو خود نداشتند. اما زمانی که کنستانتین، امپراتور روم به موجب فرمان میلان در ۳۱۳م، مسیحیت را به عنوان دین رسمی و دولتی روم پذیرفت، وضع تغییر کرد. هم مسیحیان و هم رومیان غیرمسیحی که تا چندی پیش دشمنان یکدیگر محسوب می شدند، از آن پس، به یکدیگر به چشم دوستان وفادار خود می نگریستند. از این به بعد، مسیحیان دیگر نه تنها مورد حمایت پادشاهان ایران قرار نگرفتند، بلکه به اتهام خیانت و جاسوسی برای روم مورد تعقیب و آزار قرار گرفتند و آنها را دشمن پادشاهان ایران به شمار می آوردند. بنابراین، در هر زمان که بین ایران و روم جنگ در می گرفت، مسیحیان ایران به خاطر هم کیشی با امپراتوری روم و اتهام خیانت و جاسوسی به کشور وشاهنشاه مورد تعقیب قرار می گرفتند. بعدها مسیحیان با جدا کردن و استقلال بخشیدن کلیسای خود از کلیسای روم، تا حدودی از این فشارها و اتهامات کاستند، اما معمولاً در زمان جنگ ها فشار بر آنها وجود داشت.

واژگان کلیدی: ساسانیان، ایران، مسیحیان، ارمنستان، روم.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	<b>بخش مقدماتی (طرح تحقیق)</b>
۲	مقدمه.....
۵	بیان مسئله.....
۷	پیشینه ی تحقیق.....
۷	سوال ها و فرضیه های تحقیق.....
۱۰	روش تحقیق.....
۱۱	بررسی منابع.....

### بخش اول. مسیحیت در ایران از آغاز تا روی کار آمدن ساسانیان

۱۸	فصل اول: پیدایش مسیحیت، ورود و گسترش آن در ایران تا پایان عهد اشکانی.....
۱۸	۱. پیدایش مسیحیت و ورود آن به ایران در سده اول میلادی.....
۲۱	۲. مسیحیت در زمان اشکانیان.....
۲۷	فصل دوم: ادسا (رها)، مرکز مسیحیت شرقی.....

### بخش دوم. وضعیت مسیحیان ایران از آغاز ساسانیان تا پایان روزگار بهرام چهارم

۳۳	فصل اول. ایجاد و تقویت نهاد دینی و زردشتی در اوایل عهد ساسانی.....
۳۳	۱. مذهب زردشتی در زمان اشکانیان.....
۳۶	۲. مذهب زردشتی در زمان ساسانیان.....
۴۸	فصل دوم. وضعیت مسیحیان ایران از اردشیر بابکان تا پیش از روی کار آمدن شاهپور دوم.....
۴۸	۱. مسیحیان در زمان اردشیر بابکان.....
۵۲	۲. مسیحیان در زمان شاهپور اول.....
۵۶	۳. مسیحیان در زمان هرمزد اول.....

۵۶	.....	۴. مسیحیان در زمان بهرام اول
۵۷	.....	۵. مسیحیان در زمان بهرام دوم
۶۰	.....	۶. مسیحیان در زمان نرسی
۶۱	.....	۷. مسیحیان در زمان هرمزد دوم
۶۳	.....	فصل سوم. مسئله‌ی ارمنستان و مسیحی شدن ارمنیان (۳۰۲ م.)
۶۳	.....	۱. ارمنستان تا قبل از مسیحی شدن
۶۹	.....	۲. مسیحی شدن ارمنستان
۷۴	.....	فصل چهارم. بررسی عملکرد شاهپور دوم در برابر مسیحیان ایران
۹۲	.....	فصل پنجم. مسیحیت در زمان جانشینان شاهپور دوم
۹۲	.....	۱. اردشیر دوم
۹۳	.....	۲. شاهپور سوم
۹۴	.....	۳. بهرام چهارم

### بخش سوم. وضعیت مسیحیان ایران تا پایان عصر ساسانی

۹۷	.....	فصل اول. مسیحیان ایران در شورای سلوکیه (۴۱۰ م.)
۹۷	.....	۱. یزدگرد اول و تسامح با مسیحیان
۱۰۲	.....	۲. شورای سلوکیه
۱۱۲	.....	فصل دوم. از اعلام استقلال کلیسای ایران (۴۲۴ م.) تا نبرد آوارایر (۴۵۱ م.)
۱۱۲	.....	۱. بهرام پنجم و آزار مسیحیان
۱۱۸	.....	۲. شورای دادیشوع و استقلال کلیسای ایران
۱۲۱	.....	۳. یزدگرد دوم و نبرد آوارایر با ارمنیان
۱۳۱	.....	فصل سوم. نقش روحانیان زردشتی در عملکرد ساسانیان نسبت به مسیحیان
۱۴۳	.....	فصل چهارم. بارصوما و نسطوری شدن کلیسای ایران در شورای یث لاپات (۴۸۴ م.)
۱۵۱	.....	فصل پنجم. وضعیت مسیحیان ایران بعد از نسطوری شدن کلیسای ایران
۱۵۱	.....	۱. مسیحیان در زمان بلاش

۱۵۳	.....	۲. مسیحیان در زمان قباد اول
۱۵۶	.....	فصل ششم. وضعیت مسیحیان ایران از زمان خسرو اول تا پایان عصر ساسانی
۱۵۶	.....	۱. مسیحیان در زمان خسرو اول
۱۶۱	.....	الف. وه آنتیوک خسرو
۱۶۲	.....	ب. شورش انوشزاد
۱۶۶	.....	۲. مسیحیان در زمان هرمزد چهارم
۱۶۹	.....	۳. مسیحیان در زمان خسرو دوم و جانشینانش
۱۸۶	.....	فصل هفتم نقش مسیحیان ایران در روابط ساسانیان و روم
۱۹۳	.....	نتیجه گیری
۱۹۶	.....	فهرست منابع و مآخذ



بخش مقدماتی (طرح تحقیق)

## مقدمه

### طرح تحقیق

در سال ۲۲۶ میلادی اردشیر بابکان با غلبه بر اردوان چهارم آخرین شاه اشکانی، سلسله ساسانی را تأسیس کرد. اردشیر و جانشینانش خود را وارث هخامنشیان می‌دانستند و اشکانیان را غاصب حکومت معرفی می‌کردند. اردشیر برای ایجاد وحدت ملی و تمرکز و یکپارچگی ایران، که در زمان اشکانیان به صورت ملوک طوایفی اداره می‌شد، اهدافی چند را سرلوحه‌ی اقدامات خود قرار داد. یکی از این اهداف حمایت و پشتیبانی از دین زردستی و رسمیت دادن به آن بود که از زمان هخامنشیان در ایران وجود داشت، اما هرگز به عنوان مذهب رسمی در کشور مطرح نشده بود و هر چند پاره‌ای از شاهان سلسله‌های پیشین بسیاری از قواعد دین زردستی را رعایت و اهورهمزدا را پرستش می‌کردند، اما به طور کامل در صدد رسمیت دادن یا انتشار کلی آن در ایران بر نیامده بودند، ولی اردشیر چون اجداد و نیاکانش پشت در پشت ریاست معبد آن‌ها در استخر را بر عهده داشتند، از همان ابتدا توجه به دین زردستی و پیوند بین دین و دولت را مد نظر داشت و حتی در پیشبرد اهداف خود به منظور رسیدن به قدرت و تأسیس سلسله‌ی ساسانی از این مذهب و بزرگان آن، یعنی روحانیان زردستی، استفاده کرد. با رسمیت یافتن دین زردستی، روحانیان این مذهب مورد توجه قرار گرفتند و قدرت زیادی در دستگاه ساسانی به دست آوردند. این روحانیان بسیار متعصب بودند و پیروان سایر دین‌ها را که در سرزمین ایران زندگی می‌کردند، محل اطمینان قرار نمی‌دادند. هم‌زمان با روی کار آمدن ساسانیان مذهبی چند در ایران وجود داشت. یکی از این مذاهب مسیحیت بود که در زمان اشکانیان به ایران وارد شده بود که به علت تسامحی که شاهان اشکانی نسبت به این مذهب اعمال می‌کردند، بسیار سریع در ایران انتشار یافت، به طوری که هم‌زمان با روی کار آمدن ساسانیان ۲۰ ناحیه‌ی اسقف

نشین در ایران وجود داشت و مسیحیان مرکز تبلیغی مهمی در شهر الرها داشتند. اما روحانیان و برخی از وزرا و شاهان ساسانی از لحاظ دینی بسیار متعصب بودند و مطمئناً در برابر گسترش مسیحیت واکنش‌هایی را نشان می‌دادند که این واکنش بعد از رسمیت یافتن آیین مسیح در امپراتوری روم که رقیب سیاسی ساسانیان بود شدت گرفت.

این پژوهس دارای سه بخش است. این بخش‌ها را به طور خلاصه می‌توان اینگونه بیان کرد:

#### بخش اول: مسیحیت در ایران از آغاز تا روی کار آمدن ساسانیان

این بخش از دو فصل تشکیل شده است: موضوع فصل اول پیدایش مسیحیت، ورود و گسترش آن در ایران تا پایان عهد اشکانی. در این فصل به تولد عیسی مسیح، چگونگی تشکیل مذهب مسیحیت و تبلیغ این مذهب از طرف پیروان آن در سایر نقاط دنیا پرداخته شده است. یکی از این نقاط که از همان ابتدا مورد توجه مبلغین عیسوی قرار گرفت ایران بود. در این فصل همچنین به چگونگی ورود مسیحیت و مبلغین مسیح به ایران در عهد اشکانی پرداخته شده است که تا پایان عصر اشکانی ادامه دارد.

فصل دوم این بخش، ادسا(رها)، مرکز مسیحیت شرقی است. در این فصل در مورد شهر ادسا که یکی از اولین

مهمترین مراکز مسیحیت در شرق بوده است به تفصیل سخن رفته است.

#### بخش دوم: وضعیت مسیحیان ایران از آغاز ساسانیان تا پایان روزگار بهرام چهارم

این بخش از پنج فصل تشکیل شده است، در این فصل که ایجاد و تقویت نهاد دینی و زردشتی در اوایل عهد ساسانی است به دین زردشتی از زمان اشکانیان تا زمان ساسانیان به طور خلاصه پرداخته شده است تا اینکه در زمان ساسانیان اردشیر بابکان با تقویت نهاد دینی و زردشتی و حمایت از روحانیان زردشتی در جهت اهداف خود که همانا ایجاد وحدت ملی و تمرکزگرایی در ایران بود استفاده کرد.

فصل دوم این بخش وضعیت مسیحیان ایران است از اردشیر بابکان تا روی کار آمدن شاپور دوم. در این فصل به وضعیت مسیحیان ایران در زمان اردشیر و جانشینان او پرداخته شده است. این وضعیت در این دوران همراه با آرامش برای مسیحیان سپری شد. در فصل سوم این بخش به مسأله ارمنستان و مسیحی شدن ارمنیان پرداخته شده است، در این فصل وضعیت کشور ارمنستان از ابتدای تاسیس سلسله ساسانی تا رسمی شدن مسیحیت در این کشور مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل چهارم این بخش وضعیت مسیحیان ایران در زمان شاپور دوم مورد بررسی قرار گرفته است. این فصل شامل رسمیت

یافتن مسیحیت در روم در سال ۳۱۳ م. نزدیکی مسیحیان ایران به روم، بدین شدن شاهپور دوم نسبت به مسیحیان ایران به علت پذیرفتن مذهب مسیح توسط امپراتوری روم، که دشمن ساسانیان بود، و در نهایت شروع زجر و آزار مسیحیان از اینزمان بود. فصل پنجم در مورد وضعیت مسیحیان در دوران جانشینان شاهپور دوم تا یزدگرد اول است. این فصل شامل سیاست مدارا آمیز جانشینان شاهپور ( اردشیر دوم ، شاهپور سوم و بهرام چهارم ) با مسیحیان، و سعی این شاهان در ایجاد روابط دوستانه با روم است.

#### بخش سوم: وضعیت مسیحیان ایران تا پایان عصر ساسانی

این بخش از هفت فصل تشکیل شده است، در فصل اول این بخش که مربوط به زمان یزدگرد اول است به تسامح یزدگرد در مورد مسیحیان و تشکیل شورای سلوکیه در سال ۴۱۰ م. است که مسیحیان در این شورا قوانین و نظامات فرقه عیسوی شرق و عقاید مخصوصه آن را با قواعدی که در نزد عیسویان مغرب زمین بود تطبیق دادند. فصل دوم این بخش به نام استقلال کلیسای ایران در سال ۴۲۴ م. تا نبرد آوارایر است. این فصل شامل آزار مسیحیان توسط بهرام پنجم، استقلال کلیسای ایران در زمان بهرام پنجم در شورای دادیشوع، و فشار ایران بر ارمنستان برای تغییر دین و در نهایت شورش آرامنه و شکست آنها در سال ۴۵۱ م. می باشد. در فصل سوم به نقش روحانیان زردشتی در عملکرد شاهان ساسانی نسبت به مسیحیان پرداخته شده است. در فصل چهارم / نسطوری شدن کلیسای ایران مورد بررسی قرار گرفته است، که در سال ۴۸۴ م. در زمان پیروز روی داد. فصل پنجم در مورد وضعیت مسیحیان ایران بعد از نسطوری شدن کلیسای ایران در زمان بلاش و قباد اول و حمایت این پادشاه از مذهب نسطوری است. فصل ششم درباره اوضاع مسیحیان ایران از خسرو اول تا پایان عصر ساسانی است. در این فصل اوضاع مسیحیان ایران در زمان خسرو اول، صلح خسرو و روم و تأمین آزادی مسیحیان ایران، ساخت شهر وه آنتیوک خسرو توسط خسرو اول و انتقال جمعیت مسیحی انطاکیه به آن، شورش انوشکزاد پسر مسیحی خسرو اول، حمایت هرمزد چهارم از مسیحیان کشورش در برابر روحانیان، اوضاع مسیحیان در زمان خسرو دوم و جانشینانش و نزاع فرقه های مختلف مسیح مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل هفتم و پایانی این بخش به نقش مسیحیان در روابط ایران و روم، که شامل جنگها، سفارتهای و غیره می باشد اشاره شده است.

## بیان مسئله

ساسانیان آخرین حکومت ایرانی قبل از اسلام بودند که حکومت آنان پس از انقراض اشکانیان به مدت چهار قرن دوام یافت. در این چهار قرن شاهنشاهی ساسانی یکی از دو امپراتوری بزرگ جهان متمدن آن روز بود. این حکومت، فرهنگی در زمینه‌ی سیاست، مملکت داری، دین و روابط سالم اجتماعی و هنر به وجود آورد که پس از انقراض سیاسی شان اثرات خود را در نسلهای بعدی و اقوام مجاور به طور بارزی نشان داد. در دو شاهنشاهی قبل از ساسانیان، یعنی هخامنشیان و اشکانیان، هر چند زرتشتی گری وجود داشت و بیشتر شاهان این دو سلسله اهوره مزدا خدای بزرگ زرتشتیان را می پرستیدند، اما بسیاری از آداب و رسوم زرتشتی گری توسط آنان اجرا نمی شد. اما با روی کار آمدن ساسانیان، دین زرتشتی به عنوان دین رسمی ایران برگزیده شد و اولین حکومت سیاسی - دینی قبل از اسلام در ایران شکل گرفت.

یکپارچگی و تمرکز، دین رسمی و پیوندهای سیاسی و دینی، ویژگیهایی هستند که ساسانیان در دوره طولانی تاریخ ایران قبل از اسلام به آن شناخته شده است. از زمانی که اردشیر بابکان به عنوان یک موبد زاده و وابسته به معبد آناهیتای استخر در فارس علم عصیان علیه دودمان اشکانی برافراشت و توانست به نظام پراکنده شاهی و غیر متمرکز آنان، که در کتابهای عربی به نام ملوک الطوائفی از آن یاد شده است، پایان دهد و در تعقیب و اجرای این هدف دین زرتشتی را به عنوان وسیله‌ی اتحاد شاهنشاهی به کار گیرد و نظامهای دینی و سیاسی را در پیوند با هم قرار دهد، ضمن اینکه این سیاست در زمان وی به اتحاد شاهنشاهی انجامید، باعث گردید که خود سنتی شود که بعدها نیز دیگر فرمانروایان را به کار آید، و در ادامه دین و دولت را در پیوند با هم قرار دهد. بدین گونه، پیوند نظامهای سیاسی و دینی در شکل رسمی بودن دین زرتشتی و جاری بون آن در کشور و همکاری روحانیان با شاهان تجلی یافت.

در این حال، روحانیان زرتشتی در داخل کشور بسیار متعصب بودند و هیچ دیانتی را در داخل کشور تجویز نمی کردند. دین زرتشت دیانتی تبلیغی نبود و رؤسای آن داعیه‌ی نجات و رستگاری ابنای بشر را نداشتند، اما در داخل کشور مدعی تسلط تام و مطلق بودند و پیروان سایر ادیان را، که رعیت ایران به شمار می آمدند، محل اطمینان قرار نمی دادند.

اردشیر بابکان چون اجدادش ریاست معبد آناهیتای استخر را بر عهده داشتند، و به یاری روحانیان زرتشتی توانسته بود دین زرتشتی را در ایران رسمی کند و به سلطنت برسد، بنابراین روحانیان زرتشتی نیروی بسیاری در ایران یافتند. در این

دوره روحانیان زرتشتی را مغان می گفتند. موبدان زرتشتی وظیفه داشتند با دخالت در کارهای کشور به آن رنگ تقدس و دینی بخشند و همچنین حق داوری و انجام مراسم مذهبی و برگزاری جشنهای دینی را نیز بر عهده داشتند. ریاست عالی‌وی امور روحانی با موبدان موبد بود که سیاست کلی دین را تعیین و رهبری می کرد شاه در تمام کارهای دینی رأی او را خواستار می شد. روحانیان حتی یکی از مقتدرترین طبقات ایران را تشکیل دادند، چنانکه در برخی مواقع بر پادشاهان هم برتری یافتند. به همین سبب بود که از میان پادشاهان ساسانی تنها عده معدودی، همچون اردشیر بابکان، شاپور اول و قباد اول و خسرو اول در زمان حیاتشان ولیعهد خود را بر گزیدند و دیگران هیچ یک جانشین خود را اختیار نکردند.

در موقعی که سلسله‌ی ساسانیان جانشین اشکانیان شدند، عیسویان مرکز تبلیغی مهمی در شهر الرها داشتند. چنان که می دانیم، دولت ایران در جنگهای بزرگی که با روم کرد، اسیران را در نواحی دور دست ایران مسکن می داد. پادشاهان ایران در لشکرکشیهای خود به سوریه گاهی تمام سکنه‌ی یک شهر را در یکی از نقاط داخلی کشور سکونت می دادند. چون قسمت اعظم این مهاجران عیسوی بودند، دیانت مسیح در هر گوشه‌ی ای از ایران اندکی رواج یافت. تا زمانی که امپراتوری روم مسیحیت را به رسمیت نشناخته بود، عیسویان ایران نسبتاً در آرامش می زیستند، اما چون قسطنطین امپراتور روم به عیسویت گروید، وضع تغییر کرد و عیسویان ایران که به ویژه در نواحی مجاور سرحد روم بسیار بودند، مجذوب و فریفته دولت مقتدری شدند، که هم کیش آنان بود. اگر چه هنوز در ایران مسیحیت تشکیلات رسمی به خود نداده بود، ولی توجه بسیاری از ایرانیان را به خود جلب کرده بود، و چون آیین مذکور نگرشی جهان شمول داشت، همواره می کوشید تا دینی جهانی شود. بنابراین مسیحیت دینی بود که همه را به کیش خود دعوت می کرد.

به نظر می رسد با توجه به اینکه روحانیان زرتشتی و برخی از وزراء و شاهان ساسانی تعصب زیادی در دین زرتشتی داشتند و دیگر ادیان را باطل می دانستند، هر گونه انحراف از دین زرتشتی را گناهی بزرگ و نابخشودنی به شمار می آوردند و اجازه نمی دادند که دیگر ادیان با تبلیغات خود زرتشتیان را به طرف خود جذب کنند؛ و چون عیسویان ایران داعیه‌ی نگرشی جهان شمول داشتند و همواره می کوشیدند تا در جهان دین را گسترش دهند بنابراین همه را به کیش خود دعوت می کردند. با توجه به این شرایط، برخورد ساسانیان زرتشتی با آنان اجتناب ناپذیر می نمود.

## پیشینه‌ی تحقیق (ادبیات تحقیق)

در تحقیقاتی، از جمله ایران در زمان ساسانیان، تألیف پروفیسور آرتور کریستن سن، تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران، تألیف و.م.میلر، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان زیر نظر احسان یار شاطر، و تحقیقاتی دیگر به طور کلی و پراکنده در رابطه با مسیحیان ایران در زمان ساسانیان و رابطه‌ی آنها با یکدیگر اشاره‌هایی شده است. البته با توجه به اینکه ساسانیان با رسمی کردن دین زرتشتی نوعی حکومت سیاسی - دینی به وجود آوردند که قبل از آنها وجود نداشت و گردانندگان آن بسیار متعصب بودند، به طوری که هیچ دینی را در داخل کشور تجویز نمی کردند. با تأکید بر اینکه هیچ پایان نامه‌ای تحت عنوان بررسی عملکرد دولت ساسانی در برخورد با مسیحیت نوشته نشده، قصد بر این است که تا سر حد امکان و تا جایی که منابع در ارتباط با این موضوع موجود است، به صورت تخصصی و مفصل به تحقیق پرداخته شود.

### سؤال اصلی

عملکرد دولت ساسانی در برخورد با مسیحیت به چه علل و عواملی وابسته بوده است؟

### سؤالات فرعی

۱. آیا عملکرد دولت ساسانی در جدا شدن کلیسای ایران از کلیسای روم مؤثر بود؟

۲. در برابر سیاستها و عملکرد دولت ساسانی، واکنش و رفتار مسیحیان ایران چگونه بود؟

۳. عیسویان در روابط سیاسی بین ساسانیان و روم شرقی چه نقشی داشتند؟

فرضیه‌ی اصلی. برخورد ساسانیان با مسیحیت در ایران بر اساس علل و عواملی چند بود. در این بین، ابتدا می توان به علل سیاسی اشاره کرد، چرا که قبل از رسمیت یافتن مسیحیت در امپراتوری روم، مسیحیان که تحت شکنجه و آزار امپراتوران روم بودند، به ایران پناه می آوردند و شاهان ساسانی را ملجأ و پناهگاه خویش می پنداشتند و در سایه‌ی حمایت آن ها مراسم و آداب مذهبی خود را آزادانه به جا می آوردند. اتخاذ این سیاست هم از سوی ساسانیان تا حدی شاید ناظر بر جلب خاطر عیسویان روم بود و ما تا قبل از رسمیت یافتن مسیحیت در روم شاهد برخوردی شدیدبا مسیحیان همچنان که در منابع مسیحی آمده است نیستیم.

اما با رسمیت یافتن آیین مسیح در روم در سال ۳۱۳ میلادی، سیاست ساسانیان نسبت به مسیحیان شاهنشاهی خود عوض شد، چرا که مسیحیان ایران مجذوب و فریفته‌ی امپراتوری مقتدر روم شدند که هم کیش آنان بود. از طرف دیگر، این امپراتوری اصلی‌ترین دشمن ساسانیان در آن زمان بود. بنابراین، شاهان ساسانی به مسیحیان به چشم کسانی می‌نگریستند که در کشور آنان زندگی می‌کردند، اما طرفدار روم بودند. از این به بعد بود که آزار مسیحیان ایران شروع شد. روحانیان و بزرگان زردشتی از دیگر عواملی بودند که در برخورد شاهان ساسانی با مسیحیان نقش پررنگی داشتند. اینان به علت تعصب شدید به دین زردشت، تحمل هیچ دیانتی را در داخل کشور نداشتند. به همین علت همیشه در صدد آزار و سرکوب پیروان دیگر ادیان بودند؛ به ویژه مسیحیت که در این بین از دیگر ادیان شاهنشاهی قدرتی بیشتر داشت. این طبقه همیشه در صدد بودند که شاهان ساسانی را وادار به اعمال فشار بر دیگر ادیان کنند؛ به خصوص زمانی که شاهان ضعیفی بر تخت سلطنت می‌نشستند. اعمال خود مسیحیان هم در عملکرد ساسانیان در برابر آن‌ها نقش داشت، چرا که در بعضی مواقع اینان به اعمالی دست می‌زدند که خشم شاهان و روحانیان ساسانی را بر می‌انگیختند و خود به خود زمینه‌ی اعمال فشار بر خود را فراهم می‌ساختند.

### فرضیه‌های فرعی

۱. فشارهایی که از سوی ساسانیان بر مسیحیان اعمال می‌شد، مسیحیان را به این فکر واداشت که راه چاره‌ای برای رهایی از این فشارها بجویند. چون در هر زمان که بین دو امپراتوری جنگی در می‌گرفت، مسیحیان در معرض خیانت و اتهام علیه شاهان ساسانی بودند. بنابراین، آنها می‌توانستند با جدا کردن کلیسای ایران از کلیسای روم، این اتهامات را از خود دور بدارند. این اتفاق زمانی روی داد که در سال ۴۲۴م، در شورای دادیشوع، مسیحیان ایران کلیسای ایران را مستقل از کلیسای روم اعلام کردند، و به این ترتیب تا حدودی از فشار ساسانیان بر خود کاستند.

۲. واکنش مسیحیان در برابر سیاست‌ها و عملکرد دولت ساسانی بستگی داشت به دیدگاهی که ساسانیان نسبت به آن‌ها داشتند. در جایی که مسیحیان را متهم به خیانت و جاسوسی بر ضد ایران و برای روم می‌کردند، آن‌ها در صدد بر می‌آمدند که به هر صورت این اتهامات را از خود دور بدارند و خود را افرادی وفادار به شاهنشاه و حکومت ساسانی نشان دهند. در جایی که می‌خواستند آن‌ها را وادار به ترک آیین خویش کنند، بسیار سرسخت و متعصب بودند و به ندرت اتفاق می‌افتاد که از دین خود برگردند، و در بسیاری مواقع هم که از دین خود بر می‌گشتند، به صورت ظاهری و برای جلوگیری



از آزار و شکنجه‌هایی بود که بر آنها وارد می‌شد. به هر حال، مسیحیان ایران در برابر این سیاست‌های ساسانیان سعی کردند که کلیسا و حتی فرقه‌ی مخصوص به خود داشته باشند؛ از این رو در قرن پنجم به این مهم دست یافتند و در نتیجه، از فشار زیادی که از سوی ساسانیان بر آن‌ها اعمال می‌شد تا حدودی کاستند.

۳. یکی از عوامل تعیین‌کننده و به وجود آورنده‌ی روابط سیاسی میان دو امپراتوری ایران و روم، مسیحیت بود. مسیحیت که قبل از تأسیس ساسانیان وارد ایران شده بود و در زمان نخستین پادشاهان ساسانی نیز کماکان به نفوذ خود ادامه می‌داد، عاملی در تشدید درگیری‌های بین ایران و روم شده بود. توضیح این که، تا زمانی که مسیحیان در روم مورد تعقیب و آزار و شکنجه بودند، ایران و شاهان ایرانی را پناهگاهی برای خود می‌دانستند و از ظلم و ستم رومیان به سوی ایران رهسپار می‌شدند، و پادشاهان ساسانی نیز آن‌ها را مورد حمایت قرار می‌دادند و این خود باعث اختلاف بیشتر میان دو امپراتوری می‌گردید. با رسمیت یافتن مسیحیت در روم، عنصر تازه‌ای در مناسبات سیاسی دو کشور وارد شد. مسیحیان که تا چندی قبل دشمن رومیان بودند، اکنون دوستان وفادار روم محسوب می‌شدند. از سوی دیگر، شاهان ایران به آن‌ها به چشم حامیان و وفاداران امپراتوری روم می‌نگریستند. از این رو به تعقیب و آزار مسیحیان پرداختند. امپراتوری روم نیز که خود را مؤظف به حمایت از مسیحیان سراسر دنیا می‌دید، از این رفتار شاهان ایران با مسیحیان معترض بود، و به انتقاد می‌پرداخت. می‌توان چنین نتیجه گرفت که شاهان ساسانی با خود دین مسیح دشمنی نداشتند، بلکه دشمنی آن‌ها با مسیحیت و مسیحیان بعد از دولتی شدن دین مسیح در روم شروع شد. بعد از این که مسیحیان ایران از مسیحیان روم جدا شدند، بدگمانی شاهان ایران تا حدی زیاد نسبت به آن‌ها از بین رفت و حتی در برخی مواقع، از آن‌ها به عنوان سفیر بین دو امپراتوری استفاده می‌کردند و مسیحیان در این زمان به پست‌های مهمی در دستگاه دولتی ساسانی دست یافتند. پس، با توجه به دلایل یاد شده، می‌بینیم که چگونه مسیحیت در مناسبات سیاسی بین ایران و روم دخالت داشته است.

روش تحقیق روش به کار رفته در این رساله، توصیفی و تحلیلی و با استفاده از روش مبتنی بر مطالعات کتابخانه

ای و بهره‌گیری از اسناد و مدارک موجود است.

### موانع تحقیق

در راه انجام تحقیق و بررسی در این رساله، به مشکلات و موانعی همچون عدم دسترسی به منابع دست اول در زمان ساسانیان راجع به موضوع مورد بررسی، آشنا نبودن به زبان های غیر انگلیسی، مانند فرانسه و آلمانی، برای استفاده از این متون، در دسترس نبودن ترجمه هایی مستقیم از کتب اعمال شهدای عیسوی ایران، و همین طور، اطمینان نداشتن به صحت و سقم نوشته های عیسویان در کتاب هایشان در زمان ساسانیان، از دیگر موانع اساسی در بررسی این رساله می باشد.

## بررسی منابع

بدون تردید در هر پژوهشی، منابع دست اول از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. منابع دست اول شامل کتیبه ها، مسکوکات، حجاریها و نیز متون تاریخی قدیمی است. البته این منابع با هم تفاوت هایی دارند. برای مثال در کتیبه ها فقط به موضوعی خاص یا رویدادی ویژه اشاره می شود؛ در صورتی که در متون تاریخی قدیمی از موضوعات و رویدادهای مختلفی سخن به بیان می آید. متون تاریخی قدیمی که از آن ها به عنوان منابع دست اول یاد می شود، چندان زیاد نیست. در باب تاریخ ایران باستان، منابع مکتوب و غیرمکتوب مختلفی را می توان مورد استفاده قرار داد. حجم منابع دست اول این پژوهش محدود است. بدیهی است هر چه بر طول عمر تاریخی بشر افزوده می شود، منابع تاریخی نیز افزایش می یابند. به همین علت، منابع تاریخی عهد ساسانیان نسبت به منابع ادوار پیش از آن از پشتوانه‌ی محکم تری برخوردار است. اگر منابع تاریخ ایران باستان در دوره‌ی مادها یا هخامنشیان چندان زیاد نیست، اما در دوره‌ی ساسانیان می توان منابع زیادی را به خدمت گرفت. زیرا خوشبختانه دانشمندان ایرانی بعد از ورود اسلام، از جمله ابن مقفع و دیگران، در صدد ترجمه‌ی متون پهلوی بر آمدند. منابع دوره‌ی ساسانیان شامل کتیبه ها و نقش برجسته های متعدد، آثاری از مورخان رومی، متون ارمنی، سریانی، چینی و مسکوکاتی است که می توان از آنها بهره گرفت. از این دوره، برای نخستین بار، آثاری از ایرانیان می بینیم که به روشنگری در باب تاریخ کشور خود پرداخته اند. امری که اگر چه ممکن است در دوره های پیشین نیز موجود بوده باشد، اما اثری از آن به ما نرسیده است. علاوه بر این، آثار مورخان دوره‌ی اسلامی نیز، که اطلاعات خود را بیشتر از منابع دوره‌ی ساسانیان، مانند خدای نامک ها، تاج نامک ها و آیین نامک ها، گرفته اند، در حفظ برخی از این آثار و دادن اطلاعات تاریخی به محققان، کمک های شایانی به روشن کردن زوایای تاریک تاریخ ساسانیان نموده‌اند، و آثاری که در

ادوار جدید در تاریخ این دوره به رشته‌ی تحریر در آمده بر غنای آنها افزوده است. باید این نکته را نیز متذکر شویم که این تحقیقات جدید با استفاده از علم باستان شناسی و یا بهره‌مندی از منابع دست اول، که به زبان های غیر فارسی بوده اند، به نگارش در آمده اند و اطلاعات ارزشمندی برای ما به جا گذاشته اند. اگر می‌خواستیم در این پژوهش فقط از منابع دست اول استفاده نماییم، پژوهش با توجه به دلایلی که قبلاً ذکر شد، قابل ارائه نبود؛ به ناچار، سعی شده است که از تحقیقات جدید نیز در خلال مطالب منابع دست اول استفاده شود.

### منابع قدیم

تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک، مؤلف این اثر بسیار مهم و ارزنده محمد بن جریر طبری، بین سالهای ۳۱۰-۲۲۶ ه. ق می‌زیسته است. طبری نه تنها در تاریخ نویسی تبحر داشته، بلکه با علوم دینی هم آشنایی داشته است. تاریخ الرسل و الملوک را باید یکی از مهم ترین آثار مورخان در دوره‌ی اسلامی در مورد تاریخ ایران به حساب آورد، زیرا در هیچ یک از تاریخ های مورخان دوره‌ی اسلامی این چنین مفصل در مورد تاریخ ایران سخن به میان نیامده است. تألیف او منبعی ارزشمند و مورد اعتماد در باب تاریخ ساسانیان است. ویژگی مهم تألیف طبری فراوانی مطالب و اطلاعات است. طبری در نوشتن کتاب خود (البته بخشی از آن)، که شامل دوره‌ی ساسانیان می‌شود، از منابع پهلوی سود جسته که در آن زمان به عربی برگردانیده شده بودند. استفاده‌ی طبری از این منابع، باعث غنای مطالب این قسمت از تاریخش شده است. بدین علت است که تعداد زیادی از محققان و مورخان در تألیف آثار خود از طبری الهام گرفته و از آن اقتباس کرده‌اند. به عنوان مثال به نولدا که اشاره می‌کنیم که در تهیه‌ی کتاب ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان، قسمتی از این تألیف، یعنی تاریخ طبری را ترجمه کرده و حواشی‌ای به آن افزوده است.<sup>۱</sup>

در قسمت هایی از مطالب این کتاب در حین شرح احوال شاهان ساسانی، می‌توان به مطالبی در مورد مسیحیت دست یافت که از آن در زمینه‌ی بررسی و تحقیق مورد نظر بهره‌مند گردید.

مروج الذهب و التنبیه و الاشراف. ابوالحسن علی بن حسین مسعودی (متوفی در سال ۳۴۵ ه. ق) مورخ و جغرافی دان قرن چهارم هجری قمری است. وی مؤلف دو کتاب ارزشمند به نام های مروج الذهب و المعادن الجواهر و التنبیه و الاشراف

<sup>۱</sup> عزیز الله بیات، شناسایی منابع و مأخذ تاریخ ایران از آغاز تا سلسله‌ی صفویه، ج ۱ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳)، صص ۱۸۳ - ۱۸۲.